

گوشه‌ای از تاریخ

سوم شهریور ۱۳۳۰

ساعت ۵ صبح سفرای انگلیس و روس به منزل شخصی منصور نخست وزیر وقت رفته شرحی که نه آنرا میتوان یادداشت نه یادداشت مدت دار (القیما توم) نامید بلکه اعلامیه یا خبر تجاوز و حمله به مرزهای ایران بود به ایشان تسلیم نمودند .

در شرح مزبور از دولت ایران گله کرده بودند از اینکه آلمانیها را به ایران راه داده و با وجود تذکرات دولتیین خارج نکرده است و از وجود آنها در ایران که جاسوس قلمداد نموده بودند اظهار نگرانی کرده اعلام داشتند که برای تأمین منظور خود که در یادداشتهای قبل توضیح داده اند و عمده و اهم آن استفاده از راه آهن و راههای شوسه ایران برای رسانیدن مهمات به کشور شوروی و خارج کردن آلمانیهاست نیروهای خود را وارد خاک ایران کرده اند .

طبق اخباری که از نیروهای مرزی میرسید در همان موقع کشتیهای جنگی انگلیس در آبهای ساحلی ایران به کشتیهای جنگی ساحلی ایران و بندر خرمشهر و نیروی زمینی به مرز کرمانشاهان حمله کرده نیروهای نظامی دولت شوروی نیز از مرزهای آذربایجان و خراسان و گیلان حمله و تجاوز به خاک ایران کرده اند .

بعد از وصول این خبر به اعلیحضرت بلافاصله همان روز صبح سوم شهریور هیئت دولت به کاخ سعدآباد احضار شدند در آنجا اعضاء دولت از اخبار فوق اطلاع حاصل کردند معلوم شد عده ای هم از افسران ارشد ارتش دعوت شده اند که جلسه مشترکی با اعضاء دولت در حضور ملوکانه تشکیل داده نظاریات خود را به عرض برسانند .

در پایان مذاکرات و تبادل نظری که در آن جلسه به عمل آمد اعلیحضرت همایونی دولت را مأمور نمودند که فوراً به دولتیین از این طرز رفتار غیر دوستانه گله و شکایت کرده نسبت به حمله و ورود نیروهای دو کشور به خاک ایران اعتراض نماید و تذکر دهند که دولت ایران حاضر و قادر است رفع هر گونه نگرانی آنها را نموده تا جائی که به استقلال و تمامیت و حاکمیت ایران لطمه وارد نیاید نسبت به تأمین منظموهای دولتیین کمک و مساعدت کند .

بعد از جلسه مزبور قرارداد هیئت دولت در مجلس شورای ملی حاضر شده جریان امر را به استحضار نمایندگان مجلس برساند و رئیس دولت و کفیل وزارت امور خارجه طبق نظری که اتخاذ شده بود با سفرای دولتين وارد مذاکره شدند سفرای وعده دادند که مراتب را با لندن و مسکو در میان گذاشته و نتیجه را اطلاع دهند.

با این وصف متوالیاً گزارش‌های فرماندهان نیروهای جنوب غربی، غرب، شمال غرب، شمال و مشرق ایران مبنی بر حملات نیروهای دو کشور از هوا و زمین و تولید خسارات و تلفات میرسد و کسب دستور میگردند.

موقع بسیار باریک‌نویا توجه به حیات سیاسی کشور فوق‌العاده حساس و دقیق شده بود از طرفی کشور بدون کوچکترین عمل خلاف دوستی مورد حمله و هجوم واقع شده بود با آنکه قصد متخاصمه نداشت نیروهای مرزی همچنین ساکنین نقاط مرزی و شهرهای نزدیک مرز مورد حمله و بمباران واقع شده تلفات زیاد مالی و جانی وارد میشد جلوگیری بوسیله دفاع نیروهای نظامی منجر به زدو خورد و متخاصمه میشد و ممکن بود منتهی به جنگ شود این اقدام به صلاح کشور تشخیص داده نشد.

این عبادت را که از زبان اعلیحضرت شنیدیم همواره در خاطر دارم فرمودند: «با وجود آماده نبودن و غافلگیری اگر باز حمله از یک طرف شده بود امکان دفاع متصور بود ولی حمله و هجوم از نیروهای دو کشور بزرگ و همه طرف ایران صورت گرفته است.»

لذا هیچ دستوری از مرکز به فرماندهان مرزها مبنی بر عملیات دفاعی که بالطبع نبرد صورت میگرفت و ممکن بود منتهی بجهنگ شود داده نشد و مذاکرات از مجرای سیاسی برای جلوگیری عملیات جنگی نیروهای نظامی دولتين ادامه یافت.

روزهای سوم و چهارم شهریور که مکرر به سفرای دولتين مراجعه میشد جواب میدادند که هنوز از لندن و مسکو جواب نرسیده در عین حال از همه طرف اخبار حملات جنگی نیروهای دولتين و ورود خسارات مالی و جانی و انواع مصائب میرسد.

اگر پادای عملیات محلی برای جلوگیری از بسط اشغال خاک ایران بعضی از فرماندهان مرزها بمثل آوردند روی ابتکار شخصی و وظیفه کلی مرزداران بود.

عصر روز چهارم جلسه هیئت دولت در کاخ سعدآباد در حضور اعلیحضرت تشکیل شد. در جلسه مزبور بعد از عرض گزارش‌های فرماندهان نظامی و سایر مأمورین مبنی بر ادامه یافتن حملات و تجاوزات نیروهای بیگانه اعلیحضرت همایونی فرمودند: «استنباط من این است که نظر و مقصود از این عملیات بی سابقه مخالفت با شخص من است باین جهت فکر میکنم از مرکز خارج شده مسافرتی نمایم شاید بعد با دولت وارد مذاکره شوند و ترتیبی برای خاتمه یافتن این عملیات بدهند و از خسارات مالی و تلفات جانی ارتش و اهالی کشور جلوگیری شود. از طرف دولت

بمرض رسید که هر نظری هست مربوط به کشور و دولت ایران است در این موقع خروج اعلیحضرت از پایتخت بیشتر بر مشکلات می‌افزاید و حل موضوع سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. ظاهراً اعتراض و شکایت دولتمن متوجه دولت است باین جهت اقتضا دار دولت کنونی مستغنی گردد و دولت جدید برای حل مشکلات مذاکرات را تعقیب نماید اعلیحضرت فرمودند در اینخصوص مطالعه و فکر بیشتر و دقیق‌تری بشود.

غروب همان روز اعلیحضرت بعمارت بادگیر محل تشکیل جلسه هیئت وزیران تلفن فرمودند که نظر دولت را پذیرفته‌اند. وزیران بدون نخست‌وزیر که مستغنی شده بود بکاخ سعدآباد بیایند بعد از حضور آنان جلسه در حضور اعلیحضرت تشکیل شد.

در جلسه مزبور اعلیحضرت فرمودند: «من نظر شما را پذیرفتم ولی لزومی ندارد تغییر زیادی در اعضاء دولت داده شود مجید آهی که وزیر دادگستری است بعنوان نخست‌وزیر جلسات هیئت وزیران را اداره کند،» مجید آهی بمرض رسانید که چاکر در دولت بوده و اکنون نیز هشتم برای اجرای منظور اعلیحضرت مناسب است کسی که در موقع حمله و هجوم نیروهای دولتمن نبوده است بریاست دولت تعیین شود اعلیحضرت فرمودند: «کی؟ در چنین موقع حساسی چه شخص مجرب، مطلع و بافکری داریم که بتواند عهده‌دار این مسئولیت شود.» مجید آهی بمرض رسانید فروغی واجد شرایط مورد نظر مبارک‌هست و آماده خدمتگزاری است اعلیحضرت پذیرفتند نصراله انتظام را که رئیس تشریفات سلطنتی بود احضار و فرمودند منزل فروغی رفته نامبرده را با خود بیاورد. بعد از حضور فروغی بریاست هیئت دولت را بنا میرده ارجاع و مقرر فرمودند بلافاصله جلسه دولت را بریاست خود تشکیل داده در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانیده دولت خود را معرفی کند مخصوصاً مذاکرات با سفرای دولتمن را تعقیب و سعی کند نیروهای نظامی دولتمن تجاوزات و حملات خود را موقوف کنند.

دولت فروغی نیز مذاکرات را با سفرای دولتمن ادامه داد و مکرر گوش زد کرد که با وجود حاضر بودن دولت برای انجام خواسته‌های دولتمن دیگر دلیلی بر تعرض نیروهای نظامی وجود ندارد جواب سفر اهماان بود که قبلاً گفته بودند که منتظر وصول جواب از لندن و مسکو هستند باین وضع همه روزه و متوالیا از اطراف گزارش تهاجم و پیشروی نیروهای دولتمن در خاک ایران و تولید خسارات و مزاحمت میرسید. روز پنجم شهریور بر حسب امر اعلیحضرت مقرر شد شورای عالی مرکب از اعضاء دولت و افسران ارشد در باشگاه افسران تشکیل شود. جریان مراجعات گزارشها کسب دستورهای فرماندهان نظامی، عملیات و پیشرفت ارتشهای بیگانه در خاک ایران مورد بررسی و اظهار نظر قرار گیرد هر نظر و تصمیمی که شود باین صلاح کشور میداند بمرض اعلیحضرت برسانند.

اعضاء کشوری شود با توجه به گزارشهای فرماندهان به واسطه عدم احاطه به امور نظامی

و اینکه آیاممکن است از پیشرفت نیروهای بیگانه و بسط و توسعه اشغال خاک ایران جلوگیری شود یا خیر نتوانستند اظهار نظر کنند قرارداد از نظر فنی و نظامی ستاد ارتش اخبار واصله را از مردان و فرماندهان راجع به موقعیت و کمیت و کیفیت نیروهای خودی و بیگانه با نتیجه مطالعات و نظریات خود برای کسب تکلیف به عرض اعلیحضرت برسانند در عین حال دولت مذاکرات سیاسی خود را تعقیب کند تا معلوم و روشن شود در حقیقت و معنی نه ظاهر و پنهان دولتین از ایران چه می‌خواهند و با چه شرایطی حاضر به ترک تجاوز هستند. آن روز در باشگاه افسران وضع غیر عادی بود آمد و رفت افسران شاید انتشار خبر تشکیل شورای عالی و اخبار غیر مساعد و اصل از مرزها و فرماندهان نظامی و پیشرف نیروها به داخل خاک ایران و استشمام تصمیم نهائی بر عدم مقاومت و دفاع در مقابل مهاجمین مقدمه خروج عده‌ای را از مرکز فراهم نمود همان روز عده‌ای از تهران خارج شدند روز بعد خارج شدن از پایتخت فوق‌العاده زیاد شد زیرا انتشار یافت اعلیحضرت از تهران به اصفهان عزیمت می‌فرمایند همچنین شهرت یافت که نیروهای شوروی عنقریب وارد تهران می‌شوند این خبر بیشتر تولید تزلزل و نگرانی کرد بخصوص که متوالیا می‌شنیدند عده زیادی از افسران لشکری و پایودان کشوری مشاغل خود را رها کرده با هر وسیله‌ای به دست می‌آوردند خواه دولتی خواه شخصی از پایتخت خارج می‌شوند. وسیله نقلیه نایاب شده بود بنزین کم و با اشکال بدست می‌آمد بازار سیاه پیدا کرده بود کسانی که از مرکز می‌خواستند خارج شوند اگر بنزین به دست می‌آوردند به چندین برابر قیمت می‌خریدند مشکل دیگری که پدید آمد کمیابی نان بود سیلو بیش از ۳ روز ذخیره نداشت باید گندم از خراسان و غرب می‌رسید که در قزوین و سمنان جلو آن گرفته شده بود این پیش آمدها داشت مقدمه گسیخته شدن شیرازه انتظامات را فراهم می‌کرد روزهای بعد نیز دولت گرفتار مشکلات و مصائب بود در عین حال مذاکرات متوالیا با سفرای دولتین ادامه می‌یافت حتی موقعی که انتشار یافت عنقریب نیروهای شوروی که به قزوین رسیده بودند وارد تهران می‌شوند و اول اعضاء دولت را دستگیر و اعدام خواهند کرد هیچیک از این اخبار تأثیری در کار دولت و انجام و طیفه اعضاء دولت نکرد خوشبختانه خدای ایران خواسته است که هر وقت مصائب و وخامت اوضاع در این کشور پیش می‌آید بر مقاومت و از خود گذشتگی افراد خدمت گذار افزوده می‌شود به همین جهت پیش آمدهای ناگوار و اخبار سوء و سایر مشکلات نه تنها سبب بیم و هراس در دل هیچیک از اعضاء هیئت دولت نگردید بیشتر توجه شد که اول وقت و زودتر از همیشه ابتدا سرکار خود حاضر شوند بعد همه روز در عمارت بادگیر که در آن موقع محل تشکیل جلسات هیئت دولت بود حاضر شده قبل از ظهر و بعد از ظهر جلسه هیئت دولت را تشکیل دهند.

طول کشیدن و وصول جواب از لندن و مسکو و ادامه تجاوزات و پیشروی نیروهای بیگانه مجدداً اعلیحضرت را به آنچه قبلاً فکر فرموده بودند متوجه کرد که منظور مخالفت با معظم له

استاد اراده فرمودند عده‌ای از اعضاء خاندان سلطنتی به سمت اصفهان حرکت کنند بدم‌خود اعلیحضرت عزیمت فرمایند.

روز پنجم شهریور خاندان سلطنتی به سمت اصفهان حرکت کردند چون سفرای دولتین همان روز خبر دادند که جواب از لندن و مسکو رسیده و عصر برای ملاقات نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه با جواب واصله می‌آیند نخست‌وزیر فوری مراتب را به عرض شاهنشاه رسانیده و استدعا کرد که حرکت فرمایند تا بعد از مذاکره و مطالعه یادداشت‌هایی که از لندن و مسکو رسیده هیئت دولت شرفیاب شوند و مراتب را به عرض برسانند. طرف عصر سفرای در عمارت پادگیر حاضر شده در اطاق دیگر غیر از محل تشکیل جلسه دولت جواب‌های رسیده را سفرای دولتین به آقای نخست‌وزیر و وزیر خارجه تسلیم نمودند مذاکرات جلسه مزبور بین نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه در جلسه دولت حاضر شدند معین‌آهی متن روسی یادداشت دولت شوروی را مبنی بر تقاضای دولتین ترجمه کردند و اینجانب که عهده‌دار منشی‌گری هیئت دولت بودم ترجمه آن را نوشته حاضر کردم تا به عرض شاهنشاه برسد چون اصولاً با آنچه در یادداشت‌های قبل خواسته بودند تفاوت زیادی نداشت با اصل حکومت و دولت و رژیم مشروطه شاهنشاهی مخالفتی استنباط نکردید نخست‌وزیر تلفنی از اعلیحضرت استدعا کرد حرکت فرمائید تا هیئت دولت شرفیاب شده یادداشت دولتین را به عرض برسانند.

هواداشت تاریک می‌شد که هیئت دولت به در کاخ سعدآباد رسید مشاهده شد که اعلیحضرت از طول مذاکرات و مباحثات خسته شده عازم حرکت هستند استدعا کردند به کاخ مراجعت کرده از جریان امر استحضار حاصل فرمایند پس از مراجعت به محل جلسه دولت اعلیحضرت فرمودند: «نظر به تقاضا و اصرار شما برگشتم.» نخست‌وزیر بمرض رسانید که چون اعلیحضرت موقع تصمیم حرکت به سمت اصفهان نظامیان پادگان مرکز مرخص شده و ساکنین پایتخت بقاء و امنیت را بسته به وجود آن شاهنشاه میدانند در چنین موقعی که بیم ورود نیروهای بیگانه می‌رود تشویش و اضطراب فوق‌العاده پیدا می‌شود و ممکن است شیرازه نظم و انضباط گسیخته شود از این جهت انتشار خبر انصراف شاهنشاه از خروج پایتخت خاطر عموم ساکنین پایتخت را آسوده و راحت خواهد کرد.

پس از آنکه ترجمه متن روسی جواب رسیده از مسکو را منشی دولت قرائت کرد و اعلیحضرت ملاحظه فرمودند تقاضای در همان زمینه یادداشت‌های قبلی است قبول فرمودند که بمانند و برای اطمینان بیشتر مردم به بقای نظم و امنیت دستور برقراری حکومت نظامی و جمع‌آوری نظامیانی که مرخص شده بودند صادر فرمودند و در نتیجه آرامش در پایتخت جای نگرانیها و تشویش را گرفت. مقرر شد تقاضای دولتین طبق آنچه از لندن و مسکو رسیده و سفرای تسلیم کرده‌اند در جلسه

مجلس شورایی طرح و پس از تصویب ضمیمه قرارداد قرار گیرد با این وصف که قرار نبود دیگر نیروهای دولتیین مزاحماتی ایجاد کنند و نیروی بیگانه وارد پایتخت شود بازم از اطراف کشور اختیار مزاحمت و دخالت‌های نیروهای دولتیین در بعضی از امور داخلی کشور می‌رسید. اعلیحضرت دستور فرمودند نمایندگان مجلس شورایی بکاخ سلطنتی دعوت شوند با استحضار از مجموع اخبار و حوادث تصمیم لازم اتخاذ گردد ولی این جلسه تشکیل نگردید زیرا شب قبل خبر رسید که نیروی نظامی شوروی از قزوین به سمت تهران حرکت کرده با وجود آنکه قرار نبوده نیروی نظامی بیگانه وارد پایتخت شود تا اواسط راه قزوین بطهران پیشروی کرده عنقریب وارد تهران خواهند شد.

شاهنشاه سحرمان شب نخست وزیر را به کاخ سلطنتی احضار و فرمودند: «من نمی‌توانم تحمل کنم که با وجود من نیروی بیگانه وارد پایتخت شود لذا خود را از سلطنت مستعفی کرده سلطنت شاهنشاهی ایران را به ولیعهد خود تفویض می‌کنم.» در همان جلسه دستخط و اگذاری سلطنت به ولیعهد (محمد رضا پهلوی شاهنشاه آریامهر کنونی) امضاء شد و به سمت اصفهان حرکت فرمودند. صبح که برای تشکیل جلسه هیئت دولت و تبادل نظر برای تهیه گزارشی که قرار بود عصر همان روز به استحضار نمایندگان مجلس شورایی برسد بمنزل فروغی رفته از حرکت شاهنشاه و ورود نیروهای شوروی به تهران مطلع شدم روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور فروغی نخست وزیر استعفا نامه اعلیحضرت رضاشاه و اعلام سلطنت و الاحضرت ولیعهد داد در مجلس شورای ملی قرائت و قرارداد مراسم سوگند اعلیحضرت محمد رضا شاه روز بعد در مجلس شورایی انجام گیرد.

روز چهارشنبه ۲۶ شهریور هیئت دولت در سرسرای مجلس انتظار و رودمو کب همایونی را داشت در آن روز نیروی شوروی در پایتخت بود فقط گارد شاهنشاهی اعلیحضرت را از کاخ سلطنتی تا مجلس شورای ملی بدرقه میکرد. اعمال خلاف انتظار نیروهای بیگانه در عرض مدت ۲۲ روز گذشته هنوز خاطرها را نگران داشت در حال انتظار دلهامی تپید تا غریب‌شادی زنده باد و کف‌زدن ملت که در خیابانهای مسیر اعلیحضرت از کاخ سلطنتی تا مجلس شورایی جمع بودند بگوش رسید و شادی و شمع و نور امید در قلبها جای تشویش و اضطراب را گرفت کالسه سلطنتی پهلوی سرسرای مجلس توقف کرد اعلیحضرت از مقابل صف اعضاء دولت عبور کرده وارد جلسه مجلس شورای ملی شدند و قسم‌نامه را قرائت و امضاء فرمودند.

مذاکره و بحث بین نخست‌وزیر و دولتیین برای خاتمه یافتن قطعی غائله و نحوه ارتباط با دولتیین ادامه داشت تا بدست مرددان نمند متفکر وارد سیاست زمان که منتهای علاقه را بشاهنشاه و میهن خود داشت بصورت اتحاد تنظیم گردید.

فروغی نخست‌وزیر طرح پیمان اتحاد را بین ایران و کشورهای انگلستان و شوروی تهیه و در جلسه یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۲۰ بمجلس شورای ملی تقدیم کرد. در جلسه روز دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۲۰

تحت عنوان لایحه پیمان اتحاد بین دولت ایران و دولتین انگلستان و شوروی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

خلاصه وقایع از سوم تا ۲۵ شهریور و بعد از آن بطور مختصر و اجمال تا ۶ بهمن ۱۳۲۰ در اینجا خاتمه می‌یابد. چون در اطراف این حادثه بعضی بدونکته توجه کرده سئوالی را مطرح کرده بودند بی مناسبت نیست بنکات مزبور یا سئوالات مقدر جواب و توضیحی داده شود.

اول موضوعی که موجب پرسش عده‌ای قرار گرفته بود مرخصی پادگان مرکز بود. مجید آهی وزیر دادگستری که در اینخصوص طرف مشورت نخست وزیر بود اظهار داشت خبر عزیمت اعلیحضرت باصفهان و ورود نیروی شوروی به پایتخت و اطلاع پادگان مرکز مبنی بر نداشتن هیچگونه وظیفه مدافعه و معارضه بنظر وزارت جنگ رسید که مصلحت نیست این نیروی مجهز با نداشتن وظیفه نظامی در سر بازخانه‌ها بمانند تا نیروی بیگانه وارد شود. این بود که قبل از حرکت اعلیحضرت وزارت جنگ نیروی پادگان مرکز را مرخص کرد با این دلیل و فرض که احتمال هر گونه پیش آمد سوء از بین برود. ولی این اقدام باعث عدم رضایت و تغییر اعلیحضرت گردید و بعد از انصراف عزیمت باصفهان شب همان روز دستور جمع آوری افراد مرخص شده را صادر فرمودند و فوری بموقع اجرا گذاشته شد انضباط نیروی ایران تحت فرماندهی شاهنشاه و فرمانده کل خود بجدی محکم بود که بی درنگ جان در کف سر خدمت حاضر شدند. نکته دومی که جلب توجه و پرسش قرار گرفته بود آنستکه چه علتی باعث تأخیر جواب یا دداشتهای دولتین قبل از سوم شهریور بوده زیرا همه میدانستند که جنگ جهانی بمنتهای درجه شدت خود رسیده. نیروی آلمان تا استالین گراد پیش رفته رسانیدن مهمات از امریکا بشوروی منتهای ضرورت را برای منتفقین داشته و تنه‌اراه رسانیدن آن از خلیج فارس و سرزمین ایران بشوروی بوده در آن موقع فتح و شکست برای کشورهای وارد در جنگ جنبه حیاتی داشته و مشهود شده بود که برای موفقیت خود پشت پا بتمام رسوم معمول میزنند. در چنین موقعی کشور ایران از همه طرف محصور و مرزهای کشورهای انگلیس و شوروی و یامستمرات و نقاط تحت تسلط آنها قرار داشته جز مختصری در شمال غرب با کشور ترکیه از هیچ طرف با سایر نقاط جهان ارتباط نداشته بنا بر این طبعاً این سئوال پیش می‌آید که آیا بهتر نبود بعد از وصول یا دداشتهای اولیه با تقاضای دولتین موافقت میشد معدودی افراد آلمانی که برای کارهای فنی استخدام شده بودند روانه کشورشان میشدند و منتفقین از راه آهن برای رسانیدن مهمات بشوروی استفاده میکردند؟ در اینصورت موضوع جنبه مساعدت دولت ایران را پیدا میکرد. آیا در چنین موقعی با وضع جغرافیائی ایران طول دادن مذاکره و مباحثه دور از مصلحت نبود؟ این موضوع مطلبی نیست که با گذشت زمان حالاً بنظر آمده باشد در همان موقع بعضی از صاحب نظران عقیده نداشتند که با موفقیت جغرافیائی

اسناد تاریخی

جناب آقای سیف‌الله وحیدنیا - مدیر مجله گرامی وحید

چون مدتی است مندرجات مجله را بیشتر به اسناد، خاطرات و مطالب جالب تاریخی تخصیص داده‌ام از اینرو سند تاریخی زیر را که تاکنون انتشار نیافته و بسیار تازگی دارد و از میان اوراق و اسناد دولتی انگلستان بدست آورده‌ام برای درج در مجله وحید تقدیم می‌دانم امیدوارم مورد پسند خوانندگان گرامی قرار گیرد. اهمیت این سند که نمودار اوضاع اجتماعی تأسف‌آور زمان خودش می‌باشد با مقایسه با پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی عظیمی که در سالهای اخیر نصیب کشور ما گردیده است بی‌اندازه جالب توجه می‌باشد.

و اما سند: نامه‌ایست که دولت انگلیس در تاریخ ۱۲ ربیع‌الاول ۱۲۶۶ هجری قمری مطابق با ۵ ژانویه ۱۸۵۰ میلادی به جناب امیر نظام (امیر کبیر) صدر اعظم وقت نوشته است.

پیش از ذکر متن سند از فرصت استفاده نموده مطلبی را که مدتهاست می‌خواهم عرضه بدارم در این جا یاد آور می‌شوم اغلب مؤلفین و نویسندگان ایرانی که با زحمت زیادی مطالب تاریخی را تهیه و در نوشته‌های خود بیان می‌کنند تاریخ وقوع وقایع را تا اوایل سلطنت سلسله پهلوی به سال و ماه هجری قمری مرقوم می‌دارند این روش نه تنها خوانندگان را گمراه می‌کند بلکه عملاً چون در هر ۳۶ سال منته قمری یکسال باشمی تفاوت پیدامی‌کند و نیز در اثر عدم تطبیق‌های قمری با فصول چهارگانه شمسی طبعاً به صحت تاریخ خدشه وارد می‌شود مثلاً در هر ۱۵ یا ۱۸ سال مراسم جشن یاسوگواری واقعه‌ای که در تابستان سالهای پیش رخ داده در زمستان سالهای بعدی برقرار می‌شود تصور می‌کنم هر گاه در اینگونه موارد دتاریخ وقوع هر گونه اتفاقات تاریخی را با تقویم شمسی هجری یا میلادی تطبیق نمایند خدمت بزرگی به عالم تاریخ خواهد شد.

اینک اصل سند

۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ قمری هجری

۵ ثانویه ۱۸۵۰ میلادی

نامه سفیر انگلیس به جناب امیر نظام

فخامت نصاب وجلالتمآبا يك حرکت خیلی شنبی متصل به خانه دوستدار واقع شده است که می باید به آن عالی جناب اطلاع بدهد و از این واقعه می بایست به شما ثابت شود که چقدر لازم است که فرمانی را که به خواهش دولتین انگلیس و روس اعلیحضرت شاه مرحوم (مقصود محمداشاه است) صادر کردند از برای منسوخ کردن شکنجه که جناب وزیر مختار دولت روس و دوستدار در این روزها از دولت ایران خواهش کردیم که تجدید نمایند

یکنفر آشین نسبتاً فقیر قیمت دوسه قران گوشت از یکی از سر بازاها که گوشت می فروشند قرض کرده بود (توضیح: در آن زمان چون سر بازان از دولت حقوق مرتبی نمی گرفتند فقط به لباس مندرس سر بازی که وسیله گوش بری و تجاوز بود قناعت می کردند لذا اغلب کاسیها از قبیل بقالی یا قصابیهای سر پائی بدست سر بازان افتاده بود) دیر و آن سر باز آمده بود که طلب خود را بگیرد و نزاع در این میان واقع شد و سر باز از دیده کار خیلی اذیت و آزار دید آشکار است که شور با فروش لایق سیاست و جریمه سنگین بود اما نه از این قبیل که به سر او وارد شد حکم شد که چوب بخورد و گوش او بریده شود بیست تومان جریمه بدهد چنین جریمه از برای شخصی بمرتبه او مثل آنست که بیست هزار تومان جریمه شده باشد آن دوقمره سیاستی که اول ذکر شده بود یعنی خوردن چوب و بریدن گوش بعمل آمده بود ولی میر غضبها شروع به گرفتن جریمه به شکنجه پرداختند آن شخص بدبخت را برده اند از این کوچه به آن کوچه و در سر هر معبر و رهگذر چوب می زدند تا به کوچه که محل سفارت خانه است آوردند و همچو می نمایند که این کوچه را اختیار کردند که صولت خود را بنمایانند به قدر چند قدمی از در خانه خود دوستدار این مرد را مکرر به چوب بسته و انواع دیگر که از رحم آوردن به همسایه های ساکنین وجه جریمه را بحیطه وصول برسانند چندین مرتبه از این مرد ذلیل خون جاری و دوزیر لطمه چهار میر غضب که حالت مستی آنها را بری از رحم کرده بود چندین مرتبه غش کرد هر مرتبه تأمل می کردند که به هوش بیاید باز بیهوش می ساختند واحدی رانمی گذاشتند نزدیک او برود مگر اشخاصیکه پول در دست داشته از هر طرف زنهای پیرو بیچه های صغیر دینار به دینار می آوردند که جریمه را ادا نمایند و بر رعایای انگلیس و اشخاصیکه زیر محافظت انگلیس هستند (مقصود تحت الحمايه است) لازم شد که آنها هم تنخواهی بدهند تا که این حرکت شنیع را از در خانه خود و از گوش خود این ناله سوزناک را دور کنند بر دوستدار هم اگر در خدمت آن جناب نبودم لازم می شد که خود را شریک نمایم یا با ادای تمامت وجه جریمه یا دخالت شخصی آن مظلوم را از

چنگ آن میر غضبها مستخلص نمایم پروتست می نماید که چنین اوقات نزدیک سفارت خانه انگلیس واقع شود این يك خلاف ادبی است کیست به دولت انگلیس که یقین دارم آن جناب قبول نخواهد کرد و خاطر جمع است که اولیای دولت تنبیه شایسته به آن میر غضبها جاری خواهند کرد که این جسارت را کرده اند یقین دارد که این نقل مذکور هم مکروه طبع اعلیحضرت شریاری واقع شده است وقتی که بسمع مبارک برسدمکروه خواهند شمرد در انگلستان همچو می دانند که در ایران آن قواعد پیشینیان منسوخ شده است دلیلی بهتر از این نیست که از برای دولت ایران که ناراضمانندی خاطر خود را از این قواعد عزیمت خود را ظاهر سازند یعنی از دولتهای دیگر بخواهند که طریق انصاف و عدالت را مرعی بدارند و آن این است که تکلیفی که وزیر مختار دولت روس و دستدار به اولیای دولت ایران کرده است از برای تجدید کردن فرمان شاه مرحوم قبول نموده و اجرا نمایند آنجناب خاطر جمع باشند که بر خلاف آن خیالاتی که داشته اند شایع کردن و شیوع دادن فرمان شاه سابق هم باعث کسب نام و هم منفعت خواهد بود اگر این جا در دربار اعلیحضرت همایونی آن کارکنان زیر دست چنین عملهای شنیع نمایند می توانند تصور نمایند در جاهای دور دست چه کارها می کنند و هم اظهار می نمایند که نسق و گوش بریدن و دست و پا قطع کردن سیاست پیشینیان است و هم بی مصرف اما در یقین کردن وقوع سیاست به مقصری خلاف کمتر می شود بر خلاف وقتی که سیاست زیاده از تقصیر است دل همه بر آن مقصر می سوزد و همه را جری می کند مثل اینکه حال واقع شده است.

بقیه) گوشه ای از تاریخ

ایران بحث در اطراف تقاضای دولتی طولانی شود. دولت هم با این نظر مخالفتی نداشت معهما مقامات وارد بمذاکره و مباحثه با سفرای دولتیین بعرض اعلیحضرت رسانیدند که یادداشتها تقاضای دولتیین است که مدتی برای قبول و انجام آن تعیین نکرده اند شاید بتوان بصورتی توافق کرد که بحفظ حیثیت و شئون دولت نزدیکتر باشد. اعلیحضرت هم پذیرفتند زیرا با وجود روابطیکه ظاهرا دوستانه می نمود و نبودن هیچ دلیلی بر خلاف آن تصور چنین عملی نمیکردند. آیا منظور اغفال، بهانه جوئی، حمله و هجوم و تسلط بر زمین ایران بوده یا اشتباهی رخ داده که منجر بوقوع خوردن تاریخ شده است؟ آنچه میتوان از پیش آمد فوق نتیجه گرفت و بیشتر امید به مشیت الهی در حفظ کشور شاهنشاهی ایران تقویت میشود آنستکه خدای بزرگ خواست که زحمات، کوششها و فداکاری اعلیحضرت رضاشاه کبیر مرد بزرگ تاریخ که در عرض بیست سال زمامداری خود موفق شده بود زبونی، بدبختی، ناامنی، فقر و پریشانی را محو کرده شالوده محکمی برای آینده کشور بریزد از بین نرود و فرزند ارجمند دانشمند ملت دوست آن شاهنشاه با فداکاری، حسن تدبیر و کوشش شبانه روزی موفق شود ساختمانهای عظیم و پر شکوه روی شالوده محکم و متین پدر بزرگوار خود بنا کند چنانکه می بینیم همه روزه این پیشرفتها ادامه دارد.